

نشست صدوسوم - جنسیت موضوع اساسی بشر

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عليكم؛ تعجيل در فرج حضرت حجت و انشاءالله بهره‌مندی از این ماه رجب، تحقق استغفار این ماه و بر طرف شدن همه نواقصِ خَلْقِي، خُلُقِي، منطقی و فکری که در ما و جامعه‌مان هست، یک صلوات ختم بفرمایید.

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

ابتدا چند نکته درباره موضوع جنسیت بگویم. طنزش به این صورت است که یک خانم و آقای خوشبختی را پیدا کردند و دیدند توازن در زندگی‌شان برقرار است و چهل سال است که خوشبخت کنار هم زندگی می‌کنند، از آن‌ها سوال کردند سر خوشبختی شما چیست؟ گفتند با توجه به اینکه شاکله‌های جنسیتی متفاوت است، ما تقسیم کار انجام دادیم: تصمیم‌گیری درمورد موضوعات جزئی زندگی را سپردیم به خانم و موضوعات کلان را به آقا. در جواب این سوال که خانم درمورد چه چیزی تصمیم می‌گیرند، پاسخ دادند: چه زمانی بچه دار شویم؟ تعداد بچه‌ها چندتا باشد؟ اسمشان چه باشد؟ خانه‌مان کجا باشد؟ کی سفر برویم؟ ماشین‌مان چه باشد؟ این‌ها را خانم تصمیم می‌گیرد. گفتند این که همه موضوعات زندگی را شامل شد، پس آقا درباره چی تصمیم می‌گیرند؟ گفتند موضوع‌گیری‌های کلان مثل روابط با اسرائیل و حمله اسرائیل به یمن با آقاست. این‌گونه موضوعات جزئی و کلی را خوب توازن کرده بودند و در زندگی‌شان در نهایت خوشبختی بود.

موضوع جنسیت، یکی از موضوعات اساسی زندگی بشر است. وقتی خداوند انسان را به این شکل آفریده و دو جنس قرار داده، حتما در نظام هستی‌شناسی انسان این دو موضوعیت دارد. عالم همین طوری خلق نشده که بگویند ما به ذهنمان رسیده دوتا، شما اگر می‌خواهید کمتر یا بیشتر در نظر بگیرید؛ این نشان می‌دهد در هستی‌شناسی انسان و کاری که می‌خواهد انجام دهد، یک نظام زوجیتی برقرار است. نظام زوجیتی فقط مربوط به زن و مرد نیست؛ در کل عالم هست، چون خداوند در قرآن می‌فرماید که همه چیز را زوج آفریدیم.

نقص علمی و عملی در حوزه جنسیت

جالب این است که به اندازه‌ای که این موضوع گسترده، تعیین‌کننده و اثرگذار است، مطالعات در این زمینه بسیار اندک است. اگر بررسی کنید، به غیر از منابع غربی که به قول خودشان سال‌ها پرسش‌نامه طراحی کرده و آزمایش و پایش مختلف انجام داده‌اند؛ در اندیشه‌هایی که ریشه در یک منطق دینی یا حتی عرفانی-شرقی (اندیشه‌هایی که از روی یک کل می‌خواهند موضوع را بفهمند) دارند، معمولا جنسیت به حاشیه رفته است. وقتی از کل انسان

خواستند انسان را نگاه کنند، انسان جنسیت ندارد؛ انسان بالاخره باید مومن باشد، خوب، دانا و مسلمان باشد. وقتی قرار بر خوب بودن انسان باشد، معمولا موضوع به جنسیت نمی‌رسیده است؛ در صورتی که وقتی شاکله عالم بر جنسیت و زوجیت است، نشان می‌دهد در نقش آفرینی انسان، جنسیت موضوعیت دارد.

اندیشه دینی هم از یک منطوق کل انسان را می‌بیند و معمولا موضوع جنسیت و شاکله به حاشیه می‌روند؛ چون قرار است انسان مومن، آمر به معروف و ناهی از منکر اقامه صلات بکن زکات دهی باشید که زن و مرد هم ندارد. اما آن جایی که انسان را از جزئیات بررسی کردند، چون ابتدا در انسان با مسئله‌ای مثل جنسیت مواجه می‌شوند، جنسیت خیلی بیشتر به چشم آمده است. این نقص مطالعات ماست که در نگاه کلان که انسان را از اول عبد می‌بینیم و از آن طرف باید به جنسیت برسیم، معمولا آن قدر ادامه نمی‌دهیم که به جنسیت برسیم.

یک دلیلش هم این است که در همانجا هم گیر کرده‌ایم؛ به شوخی و کمی جدی، هنوز درگیر انجام واجبات و ترک محرمات هستیم. نه اینکه انجام واجبات و ترک محرمات کم است، ولی قرار بوده انسان بعد از انجام واجبات و ترک محرمات، به بقیه ظرفیت‌های وجودی‌اش برسد؛ ما هنوز در قدم اول درگیر هستیم. وقتی انسان هنوز در قدم اول مانده، می‌گوید من هنوز در بدیهیات زندگی مانده‌ام به جنسیت چه کار دارم؟ اگر منطوق آنی باشد که سوره مبارکه هود می‌فرماید: «اگر انسان‌ها عبودیت خدا را محقق کنند، هر صاحب فضلی فضلش آشکار می‌شود»؛ یعنی پس از عبودیت، تازه زن بودن زن و مرد بودن مرد، خودش را نشان می‌دهد. ما چون قدم اول را طی نکرده‌ایم، به این تمایز هیچ وقت نمی‌رسیم.

پس بخشی از این اشکال برمی‌گردد به نقص مجامع علمی‌مان که به اندازه کافی مطالعه را تفصیل نداده‌اند. اگر الان بخواهیم درباره‌ی مقام شامخ زن، مبتنی بر اندیشه دینی، منبع پیدا کنیم، بسیار کم است. بخشی هم تقصیر بخش عملیاتی است؛ چون اگر زنان و مردان ما رفته بودند مرحله‌های عبودیت را طی کرده بودند، الان ظرفیت‌های مردانه و زنانه بیشتری آشکار شده بود و اینطور نبود که برای مثال زدن فقط یک بانو امین و خانم دباغ را داشته باشیم. به خاطر اینکه این فرایند اولیه طی نشده، ما با دو-سه تا مثال می‌خواهیم همه مسائل را حل کنیم که نمی‌شود.

اصل تمامی مثال‌ها وجود مبارکه صدیقه طاهره است که آنجا هم مشکلمان این است که ایشان را یک تافته جدا بافته تصور می‌کنیم؛ اگر چه او «بشر مثکم» است و اصلا برای همین آمده تا نشان بدهد که «سیده النساء العالمین» بودن چه شکلی است. او الگوی زنان عالم است و ما نرفته‌ایم الگویش را در بیاوریم. معمولا مقام شامخ حضرت زهرا (س) که کیلومترها بالاتر از ابرهاست را همیشه گفته‌ایم؛ نیامده‌ایم بگوییم او روی زمین این کار را کرده است.

رابطه شاکله و جنسیت در انسان

اساساً موضوع جنسیت در هم آمیخته با موضوعات دیگری در وجود انسان است؛ یک موضوع مطلق قابل انفکاک از موضوعات دیگر نیست. مهم‌ترین موضوعی که با جنسیت تداخل دارد، موضوع شاکله است. ما حدود یازده شاکله در انسان داریم؛ مثلاً شاکله فکری در انسان‌های تفکری یا شاکله عملی و شکری در آدم‌های عمل‌گرا. مشکل آنجایی پیش می‌آید که خانم و آقایایی با شاکله‌های متفاوت را می‌خواهیم مقایسه کنیم؛ مثلاً وقتی با یک آقای تفکری و خانمی که مدلش عملی است مواجه می‌شوی، وقتی نگاه می‌کنی می‌بینی اتفاقاً خانم خیلی عمل‌گراتر از آقا است.

انسان‌ها در دین خارج انتزاع نیستند که مثلاً صبح تا ظهر به جنسیت خود و ظهر تا شب به شاکله خود عمل کنند؛ درهم آمیخته است. لذا یکی از سختی‌های مطالعه‌ی جنسیت، درهم آمیختگی‌اش با سایر ابعاد انسان می‌باشد که مهم‌ترین آن‌ها شاکله است. اگر خواستی مطالعه کنی، باید خانم تفکری را با آقای تفکری و خانم عمل‌گرا را با یک آقای عمل‌گرا مقایسه کنی که این خودش پیچیدگی‌هایی دارد.

به هر حال در زمینه جنسیت به شدت به مطالعه، جستجوی در خودمان و در میدان احتیاج داریم. جنسیت از قسمت‌های مغفول حوزه‌ی انسان‌شناسی است، در صورتی که به شدت کاربردی است. الحمدلله امروزه آدم‌ها نگاهشان درباره جنسیت از آن نگاه‌های متاثر از ذهنیت‌های پیشین بیرون آمده؛ یعنی به طوره ویژه نقش‌آفرینی زنان در صحنه‌های اجتماعی و یا اهتمام آقایان به حوزه‌های تعلیم و تربیت را می‌بینید. این قسمت خوب ماجرا است که دغدغه‌های کلان را در تمام انسان‌ها با هر جنسیتی جریان می‌دهد. در این چنین شرایطی، پیدا کردن جایگاه جنسیت هم دشوارتر شده است و هم نیاز به دقت بیشتری دارد؛ یعنی مثل قبل نیست که شما بگویید مثلاً موضوعات کلان با آقا و جزئیات با خانم، واقعاً موضوع پیچیده است.

ما به موضوع جنسیت و شاکله بپردازیم یا نپردازیم، باید روزی به این موضوعات پرداخته شود؛ چون بخش زیادی از ظرفیت‌های وجودی انسان در شاکله‌ها و جنسیت قرار داده شده است. اگر این‌ها را نشناسیم، بلد نیستیم همه‌ی ظرفیت انسان را آزاد کنیم. قطعاً این اتفاق خواهد افتاد؛ ما هم که انجام ندهیم، خدا عده‌ای دیگر را خواهد فرستاد که آن‌ها انجام دهند.

پیشنهادی برای ارائه بهتر مباحث

در هر صورت، دوستان گروه ریحانه‌شناسی در جایگاه سختی ایستاده‌اند؛ جایی که بسیار پیچیده، عوامل مداخله‌گر تحقیق فراوان و منابع خیلی کم است. پیشنهادی به دوستان کارگروه ریحانه‌شناسی دارم این است که موقع ارائه،

قسمت‌های حقایق را از مشاهدات تجربی و مثال‌ها جدا کنند که هم گفت‌وگو راحت‌تر شود و هم دیگران دقت بیشتری در نقد و بررسی‌اش پیدا کنند. مثل اینکه فکر کنید هرکسی که خواست درباره موضوع جنسیت ارائه دهد، قسمت ثابت ماجرا را جدا کند. در جلسات قبل اگر دوستان شنیده باشند، گفته شد: «انسان یک نفس دارد و نفس جنسیت ندارد»؛ این گزاره‌ای است. اینجا هم باید از این ثابتات شروع شود.

یک چیزهایی را خداوند به قانده کلام خود در سرشت انسان قرار داده است؛ مثل اینکه فرموده وقتی خداوند به مرد صفت «قوام» و به زن صفت «قانتِ حافظ» داده است، پس در نظام الهی یک تمایزی در این ماجرا وجود دارد. ما اگر در ارائه از این قواعد شروع کنیم که در کلام خدا که حق مطلق و عین حقیقت است، اینطور گفته شده است و بعد از آن‌ها برویم سراغ اینکه در مشاهدات بیرونی این‌ها را با چه چیزهایی دیده‌ایم؛ آن وقت، نقد و بررسی جملات توسط جمع راحت‌تر است. اگر مبانی را مشخص کنیم و بعد برویم سراغ بسط، تفصیل و مصداق‌یابی آن، مبانی مشترک امکان گفت‌وگوی هدفمند به ما می‌دهد. در ارائه‌مان قسمت مبانی ثابت را از تفصیل و توضیح جدا کنیم، به پیشبرد بحث کمک می‌کند.

به هر حال از دوستان خیلی تشکر می‌کنم چون راهی است که نمی‌توان گفت که راه را دیگران رفته‌اند و معلوم است؛ مسیر را می‌روی، گم می‌شوی، دوباره باید برگردی، پیدا کنی و کار دشواری است. خدا ان شالله توفیق دهد مقام شامخ مرد و زن را بهتر بشناسیم که فضل‌هایمان بهتر شکوفا شود و به سبب آن مقام شامخ حضرت صدیقه و امیرالمومنین را بهتر بشناسیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم